

## فلسفه زرتشت

### راهی به سوی آینده‌ای روشن

دکتر خسرو مهرفر

جامعه بشری در ابتدای دهی اول سده بیست و یکم با ویژه‌گی‌های جهانی بسیاری از دیدگاه سیاسی اجتماعی اقتصادی فرهنگی روبروست. حرکت پیش رونده پویا و فراگیر پیشرفت‌های روزافزون بر اساس اصل خلل ناپذیر «تکامل» در بعضی امور از جمله تکنولوژی، سلامتی و بهداشت پزشکی، ارتباطات و غیره با شتاب فراوان و چشمگیری در تقریباً تمامی هشت کشور صنعتی جهان که قدرت‌های اول اقتصادی جهان هستند و در بسیاری از کشورهای صنعتی غرب و تعداد بسیار اندکی از کشورهای جهان سوم در حال رشد فزاینده می‌باشد. «دهکده جهانی» از دیدگاه تکنولوژی، ارتباطات و اطلاعات بسیار درست و بجاست ولی از دیدگاه‌های دیگر جامعه جهانی بشری از جمله دیدگاه سیاسی اجتماعی و بخصوص دیدگاه بنیادین اقتصادی تعریفی است بسیار اشتباه و نابجا. از این دیدگاه‌ها جامعه جهانی بشری و بطور کلی جهان کنونی ما نه تنها دهکده نیست بلکه مجموعه‌ایست که از جزایر کوچک و بزرگ از هم دور افتاده که گاه و بیگاه منافع مشترک اقتصادی آنها باعث ایجاد پلی بین آنها می‌گردد. باید بیاد داشت که پایه‌های این پل بروی بستر منافع مادی دو جزیره (دو کشور دو جامعه) بنا شده است و نه بستر منافع معنوی و هر زمان که یکی از این دو جزیره تک افتاده در این مجمع‌الجزایر جهانی از

## ایران زمین

منافع مادی خود عقب بیفتد این پل صرفاً اقتصادی و موقت و کاملاً بدور از پایه‌های معنوی محکوم به فناست و از هم فرو خواهد پاشید. نمونه‌های بسیاری از اینگونه جریان‌ها بین‌المللی در سده‌های اخیر بخصوص از شروع جنگ اول جهانی تاکنون داشته‌ایم و باز هم خواهیم داشت. نفس بوجود آوردن پل اقتصادی بین جزایر جهانی نه تنها بازدارنده و منفی نیست بلکه برعکس بسیار پیش برنده و مثبت است. هیچ جامعه‌ای در هیچ بُرهه‌ی زمانی در تاریخ کوتاه نوشتاری بشری یعنی چیزی نزدیک به ۵ تا ۷ هزار سال هیچگاه کاملاً خودکفا نبوده و نخواهد بود. همه ما به همدیگر احتیاج داشته و خواهیم داشت. جبر زمان ثابت کرده است که جوامع بسته رو به زوال و محکوم به فنا هستند. بنابراین نفس پل بسیار لازم و ضروریست و یکی از عوامل پیش‌برنده هر دو جزیره جهانی (دو کشور-دوملت) خواهد بود و در این شکی نیست. سوال در این است که آیا فقط منافع مادی بناشده، بر بستر اقتصاد جهانی که لازمه پیشرفت جامعه بشریست کافی نیز هست و یا خیر.

روند تکاملی جوامع بشری بخصوص در چند دهه اخیر نشان داده است که اقتصاد جهانی بنا شده بر اصول عادلانه تجارت بین کشورهای قدرتمند جهان غرب صنعتی و کشورهای دیگر به تنهایی جوابگوی تمامی احتیاجات ساکنان جزایر جهانی نیست و از این بین ملت‌های گوناگون در خلوت جزایر خود زندگی می‌کنند تا در یک دهکده بزرگ جهانی. مسایل و مشکلات جهان شمول چند ساله اخیر که باعث هرچه بیشتر دور شدن جزایر جهانی از یکدیگر می‌شوند و یک نمونه ساده و پیش پا افتاده آن را می‌توان هر روز در فرودگاه‌های کشورهای مختلف در مسایل و مشکلات پرواز و سخت‌گیری‌های

### ایران زمین

امنیتی مشاهده کرد. پدیده‌ای که چند دهه پیش وجود خارجی نداشت را می‌توان یکی از عوارض و سیمپتوم‌های ساده و اولیه زندگی خشک و بی‌روح مادی دانست. امروزه در تقریباً تمامی کشورهای پیشرفته صنعتی میزان قدرت و احترام اشخاص در اکثر اوقات با اندازه ثروت‌های مادی آنها اندازه‌گیری می‌شود. درجه موفقیت و موقعیت اجتماعی اشخاص نیز رابطه صددرصد مستقیم با میزان انباشت سرمایه دارد. در این تکاپوی جهانی بزرگترین خطری که آینده بشر را تهدید می‌کند از بین رفتن تدریجی طبقه متوسط به عنوان مهمترین عامل ایجاد تعادل بین دو طبقه ثروتمند و فقیر می‌باشد. متأسفانه در ضمیر ناخودآگاه بشر از هزاره‌ها پیش این اصل بی‌اساس و دروغین جایگزین شده که یکی از شرایط اساسی مادیگرایی و انباشت سرمایه و بالمال قدرت دور شدن از معنویات و اخلاقیات است. در صورتی که به هیچ وجه اینطور نیست و ما به‌دینان در جامعه کوچک خود در قلب جامعه بزرگ جهانی نمونه‌های بسیار زیادی از هماهنگی مادیات و معنویات داشته و داریم. با این پیشگفتار طولانی همبستگی و هماهنگی و در نهایت تعادل دو پدیده لازم و ملزوم زندگانی بشری یعنی مادیات و معنویات را در ارتباط با فلسفه زرتشت که نه تنها آموزگار اخلاقیات بلکه مشوق مادیات این جهان نیز هست را بازگو خواهیم کرد.